فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی دوازدهم، شماره‌ی ۳، زمستان ۱۴۰۲، صفحات۳۶-۹

مقاله پژوهشی

فراتحلیل مطالعات توانمندسازی اقتصادی زنان و دلالت‌های فرهنگی-اجتماعی آن در ایران

مهسا تیزچنگ[۱]؛ زهرا نقی‌زاده[۲]؛ هایده مهدوی[۳]؛ ریحانه شاه‌ولی[٤]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

چکیده

مسألهٔ توانمندسازی زنان یکی از اساسی‌ترین مباحث جوامع معاصر است که پیوند اجتناب‌ناپذیری با امر توسعهٔ آنها دارد. در کشور ما نیز به‌طور مشخص از برنامهٔ چهارم توسعه، توانمندسازی زنان در زمره سیاست‌های کلان و اجرایی قرار گرفته است. پیرو این امر، پژوهش‌های متعددی در حوزه‌های مختلف تلاش داشته‌اند مسألهٔ توانمندسازی زنان در کشور را مورد ارزیابی و سنجش قرار دهند. هدف پژوهش حاضر فراتحلیل مطالعات صورت‌گرفته در حوزهٔ توانمندسازی اقتصادی زنان است تا تصویری جامع از یافته‌ها و مشخصات مطالعات به دست آمده ارائه کند. انتخاب روش فراتحلیل کیفی، از این جهت است که امکان ارزیابی و مرور مطالعات را در دو بخش مشخصات صوری و ساختاری و نیز یافته‌های محتوایی فراهم می‌کند. مجموع مطالعاتی که بررسی شده است، ۷۰ مورد است و شامل انواع مقالات و پایان‌نامه‌ها بوده‌اند که دو کلید واژهٔ توانمندسازی اقتصادی و زنان را در اشتراک داشته‌اند. طیفی از پایگاه‌های داده‌ای مجازی مانند نورمگز و پایگاه علوم انسانی تا کتابخانه‌های دانشگاه‌های معتبر کشور، منبع جمع‌آوری داده‌ها بوده‌اند. نتایج نشان می‌دهد از نیمهٔ دههٔ ۹۰ شمسی به این سو، با فراوانی قابل ملاحظه‌ای از مطالعات این حوزه مواجه بوده‌ایم که با پراکندگی رشته‌ای همراه بوده است و رشته‌های حوزهٔ کشاورزی به همراه علوم اجتماعی پیشتاز آنها هستند. روش‌های مورد استفاده به‌طور عمده، کمی و مبتنی بر پرسشنامه‌های بزرگ مقیاس هستند. نتایج یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که توانمندسازی اقتصادی، مقدمه‌ای برای شروع توسعه است. سیاست‌های اجرایی این حوزه به طور عمده، مقطعی، در راستای حمایت‌های غیرعاملیتی (وابسته‌ساز) و بدون توجه کافی

۱. دبیرکارگروه توانمندسازی اندیشکدهٔ بانوان، جهاد دانشگاهی واحد الزهرا (س)، تهران، ایران (نویسندهٔ مسؤول).
mahsa.tizchang@yahoo.com
۲. هیأت علمی گروه مسائل اجتماعی جهاد دانشگاهی واحد الزهرا، تهران، ایران. z.naghizadeh@yahoo.com
۳. دانش‌آموختهٔ جامعه‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. mhaydeh@yahoo.com
٤. هیأت علمی گروه مسائل اجتماعی، جهاد دانشگاهی واحد الزهرا (س)، تهران، ایران.
Reihan.shahvali@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

به خاص‌بودگی‌ها و مختصات متفاوت زمینه‌های آن اعمال شده‌اند و نیاز به تمرکز بر نیازهای متفاوت زنان، هنجارهای جنسیتی و فرهنگی و زیرساخت‌های هر منطقه در راستای سیاست‌گذاری متناسب با آن وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد؛ توانمندسازی؛ توسعه؛ زنان؛ عاملیت.

مقدمه و بیان مسأله

مشارکت گستردهٔ شهروندان و به ویژه زنان در بازار کار، نقش عمده‌ای در توسعهٔ جوامع دارد. از این‌رو، در چند دههٔ اخیر، روند عمومی اشتغال زنان در فعالیت‌های اقتصادی به ویژه در جوامع شهری، صعودی بوده است و این امر، فرصت‌هایی را برای اقتصاد کشورهای متبوع‌شان ایجاد کرده است. در حالی‌که در کشورهای پیشرفته، زنان سهم خویش را در اشتغال و مشاغل تخصصی در سطح وسیعی افزایش داده‌اند، این روند در کشورهای در حال توسعه، کندتر است. بنابراین کشورها توسعه و گسترش برنامه‌های تأمین رفاه اجتماعی را پیش روی خود قرار می‌دهند. در این برنامه‌ها، هدف نهایی، توانمندسازی است (کیمیایی،۱۳۹۰).

از توانمندسازی، تعاریف متعددی ارائه شده است. برای تعریف این مفهوم، به گسترهٔ وسیعی از مفاهیم نظیر حق انتخاب، کنترل داشتن و دسترسی به منابع، احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتر و غیره اشاره شده است (کتابی و همکاران، ۱۳۸٤: ٤). در مجموع، دیدگاه‌های توانمندسازی زنان را در دو گروه می‌توان طبقه‌بندی کرد. گروه اول، توانمندی را در سطح وسیع‌تری با موضوعات ساختاری مانند حقوق بشر و جامعهٔ دموکراتیک و فرصت‌های برابر مرتبط می‌دانند. گروه دوم، آن را به مشارکت در تصمیم‌گیری و دسترسی به منابع تولیدی محدود نموده‌اند و به طور عمده، نیازهای عملی را مرکز توجه خود قرار می‌دهند. (شادی طلب و همکاران، ۱۳۸٤). توانمندسازی اقتصادی زنان نیز شامل توانایی زنان برای مشارکت برابر در بازارهای موجود، دسترسی و کنترل آنها به منابع تولیدی، کار مناسب، کنترل بر زمان، زندگی و بدن خود و مشارکت معنادار در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در همهٔ سطوح از خانواده گرفته تا نهادهای بین‌المللی می‌باشد (زنان سازمان ملل، ۲۰۲۱). محققان حوزهٔ اقتصادی از حیث کارکردی، مشارکت اقتصادی را سازوکاری برای بقا، توسعه و تعالی نظام اجتماعی می‌دانند. از این‌رو، امروزه کمتر نوشته‌ای در ادبیات توسعه می‌توان یافت که از مشارکت و به صورت خاص مشارکت اقتصادی، به‌عنوان موتور محرکهٔ توسعه، بحثی به میان نیاورده باشد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

ایران، جامعه‌ای در حال توسعه است که به سمت مدرنیته در حرکت است. حرکت به سمت مدرنیته چالش‌های بسیاری پیش روی گروه‌های مختلف جامعه به ویژه زنان قرار داده است. زنان ایرانی امروز به عنوان بازوان اقتصادی در بسیاری از خانواده‌ها محسوب می‌شوند و به دلایل فرهنگی و اجتماعی همچنان فضای جامعه برای آنان مساعد نیست ولی با این حال این گروه از جامعه، روز به روز بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت می‌کنند. هدف مطالعهٔ حاضر، فراتحلیل مطالعات توانمندسازی اقتصادی زنان است. لزوم بررسی جامع این مطالعات متعدد و متنوع، از آن رو است که ضمن ارائهٔ چشم‌اندازی از ارزیابی وضعیت موجود، شاخص‌ها و مؤلفه‌های ارزیابی آنها مشخص شود و در نهایت بتوان جمع‌بندی یافته‌های این حوزه را در اختیار پژوهشگران آتی قرار داد. روش فراتحلیل کیفی که از اطلاعات مطالعات دیگر به مثابه داده استفاده می‌کند؛ در واقع نوعی تحلیل ثانویه است که تلاش دارد نگاهی اجمالی و موشکافانه بر پیشینهٔ مطالعاتی یک حوزه داشته باشد. به این ترتیب پژوهشگران قادر خواهند بود از یافته‌های چنین فراتحلیلی همچون بانک اطلاعاتی یا منبعی مروری جهت پژوهش‌های آتی استفاده کنند.

بنابراین سؤالات مطالعهٔ حاضر را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

مهم‌ترین مشخصات صوری و ساختاری مطالعات حوزهٔ توانمندسازی اقتصادی زنان در ایران کدام است؟

مهم‌ترین شاخص‌های تکرارشونده و یا مؤثر در حوزهٔ توانمندسازی اقتصادی زنان کدام‌اند؟

مهم‌ترین یافته‌های عملیاتی این مطالعات را چگونه می‌توان صورت‌بندی و تجمیع کرد؟

ادبیات پژوهش

توانمندسازی در بافت‌های بسیار متفاوتی به کار رفته است، بنابراین، نمی‌توان تعریف واحد و مشخصی برای آن آورد و هرکسی با توجه به بافتی که از آن استفاده کرده است، تعریف خود را از آن ارائه کرده است. در اینجا مروری بر تعاریف و رویکردهای نظری ارائه می‌شود که در پژوهش‌های حوزهٔ توانمندسازی زنان در ایران (به خصوص توانمندسازی اقتصادی) بیشترین بسامد را داشته‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

در ادبیات این حوزه، تعاریف بسیاری که دارای همپوشانی هستند ارائه شده‌اند؛ برای مثال "خودمختاری[5]" (دیساون و مور[6]، ۱۹۸۳؛ باسو[7]، ۱۹۹۲؛)، "عاملیت[8]" و "وضعیت[9]"(گاج[10]، ۱۹۹۵؛ تزاناتوس[11]، ۱۹۹۹)، "تحقق حقوق زنان" (کی‌ساهور[12] ، ۲۰۰۰)، "قدرت اقتصادی داخلی" (مساون[13]، ۱۹۹۸)، "قدرت چانه زنی[14]"(بیگل و همکاران[15]، ۱۹۹۸)، "قدرت"(بیگل و همکاران، ۱۹۹۸؛ اجاروال[16]، ۱۹۹۷) "مردسالاری" (مالهوترا و همکاران، ۲۰۰۲)، "برابری جنسیتی" (بانک جهانی، ۲۰۰۱)، "کنترل" و "دسترسی[17]" (کبیر[18]، ۲۰۰۱)، "آزادی" (آمارتیا، سن[19]، ۲۰۰۰) و چندین اصطلاح دیگر، همگی به تعریف توانمندسازی پرداخته‌اند (مالهوترا و همکاران[20]، ۲۰۰۲). با این حال مفهومی که در تمامی این تعاریف کلیدی بوده است و توانمندسازی غالبا حول آن تعریف شده است، مفهوم "قدرت" است. این واژه که در بطن واژۀ توانمندی قرار دارد، در اشکال گوناگونی ظاهر شده است که می توان مطابق نظر جو رولاندز[21]، این‌گونه به طبقه بندی اشکال قدرت پرداخت:

قدرت بر: متضمن استیلا یا انقیاد است و متکی بر تهدید و ارعابمی‌باشد. مستلزم توجه مداوم برای بقاست و مقاومت فعال و غیرفعال را برمی‌انگیزد.

قدرت برای: اقتدار در تصمیم‌گیری؛ برخورداری از قدرت حل مشکلات و خلاقیت و توانمندسازی است.

قدرت با: سازماندهی مردم با هدفی مشترک یا فهمی مشترک از دست‌یابی به اهداف جمعی است.

---

5 . Autonomy
6 .Dyson and Moore
7 . Basu
8 . Agency
9 . Situation
10 .Gage
11 .Tzannatos
12 . Kishor
13 .Mason
14 . Bargaining power
15 . Beegle
16 . Agarwal
17 . Accessibility
18 . Kabeer
19 . Amartya
20 . Malhotra
21 . Joe Rolands

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

قدرت درون: به اعتماد به نفس، خودآگاهی و خودباوری در فرد مربوط است و اینکه چگونه افراد با تحلیل تجربه‌های خود، از تأثیر قدرت بر زندگی‌شان امکان تغییر وضعیت را به دست می‌آورند (رولاندز، ۱۹۹۸: ۱۵).

رولاندز، همچنین سه سطح از توانمندسازی زنان را معرفی می‌کند:

-توانمندسازی شخصی: روند توانمندسازی برای یک زن، یک تجربهٔ شخصی و منحصر به فرد است؛ زنان باید در روند توانمندسازی شخصی، در خود احساس اعتماد به نفس ایجاد کنند و توانایی‌های فردی خود را افزایش دهند. علاوه بر این باید تلاش کنند عاملیت به دست آورند تا با محیط خود در تعامل باشند و اتفاقاتی در آن رقم بزنند.

-توانمندسازی جمعی: در این سطح از توانمندسازی، زنان باید در کنار هم قرار گیرند تا تأثیر گسترده‌تری را که ممکن است هر کدام به تنهایی داشته باشند، به دست آورند. این سطح تنها با اقدام جمعی محقق می‌شود؛ در این سطح می‌توان به حس عاملیت جمعی، خود سازماندهی و هویت گروهی اشاره کرد.

-توانمندسازی در روابط نزدیک: این سطح شامل تجربیاتی است که زنان در تعامل با خانواده به خصوص، همسر و والدین دارند. زن در این سطح باید ابتدا به توانمندی شخصی رسیده باشد چرا که این سطح سخت‌ترین سطح تلقی می‌شود. عناصر توانمندسازی در این سطح شامل توانایی مذاکره، توانایی برقراری ارتباط و دفاع از خود، توانایی دفاع از حقوق شخصی و مدیریت می‌شود. از نظر رولاندز، این سه سطح در ارتباط باهم می‌باشد و تغییرات مثبت در یک سطح، می‌تواند تغییرات در ابعاد دیگر را به دنبال داشته باشد؛ او توانمندسازی شخصی را پیش شرط توانمندسازی جمعی می‌داند زیرا بدون توانمندسازی در سطح فعالیت فرد، توانمندسازی جمعی به سختی تحقق می‌یابد.

گاتیرز[۲۲] (۱۹۹۵) نیز چهار زیر فرایند را شناسایی کرده است که در انجام توانمندسازی نقش به سزایی دارد که شامل رشد خود-کارآمدی، کاهش خود سرزنشی، قبول مسؤولیت شخص برای تغییر، تشکیل گروه و خودآگاهی نقادانه می‌باشد.

سارا لانگه[۲۳]، (۱۳۷۲)یکی دیگر از نظریه پردازان در امور زنان، معتقد است برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله را که به ترتیب شامل رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل می‌باشد، طی

22 . Gatzier
23 . Sara Lange

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

کرد. الف- مرحلهٔ رفاه: در مرحلهٔ رفاه، رفاه مادی زنان مانند تغذیه و درآمد بررسی می‌شود. در این مرحله رفع تبعیض بین زنان و مردان مورد نظر قرار می‌گیرد. ب- مرحلهٔ دسترسی: در این مرحله، زنان باید به عوامل تولید (زمین، کار، سرمایه)، خدمات و آموزش مهارت که استخدام و تولید را ممکن می‌سازد دسترسی داشته باشند. ج- مرحلهٔ آگاهی: در این مرحله، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آنها ناشی از کمبودهای شخصی‌شان نیست، بلکه نشأت گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ می‌باشد و لذا قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنای باور داشتن برابری است. د- مرحلهٔ مشارکت، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود شرکت می‌کنند. مشارکت زنان باید با تعداد و شمار آنها در جامعه متناسب باشد و برابری در کنترل به معنی توازن قدرت میان زنان و مردان است (کرمانی و همکاران، ۱۳۹۷).

نایلا کبیر[۲٤]، نیز از جمله کسانی است که توانمندی را تئوریزه کرده است و توانمند شدن را گسترش توانایی افراد برای اتخاذ تصمیم‌های استراتژیک زندگی می‌داند. او سه بعد را برای توانمند شدن زنان بر می‌شمرد که عبارتند از: عاملیت که در مرکز فرایند قرار دارد و به واسطهٔ آن است که انتخاب رخ می‌دهد، توانایی تعریف اهداف فردی و عمل کردن بر اساس آن است. در واقع عاملیت، در بردارندهٔ معنا، انگیزه و هدفی است که افراد به فعالیت‌هایشان می‌دهند. بعد دوم، دستاوردها است که نتایج انتخاب‌ها نیز هستند و منابع که شرایطی را جهت ایجاد امکان انتخاب توسط فرد پدید می‌آورند؛ منابع نه تنها به منابع اقتصادی مرسوم مثل زمین، تجهیزات و سرمایه باز می‌گردند، بلکه منابع انسانی و اجتماعی را نیز شامل می‌شوند که در خدمت افزایش انتخاب‌های فرد قرار می‌گیرند (کبیر، ۱۹۹۹:٤۳۷).

روش تحقیق

مرور نظام‌مند مطالعات حوزهٔ توانمندسازی اقتصادی زنان هدف اصلی این مطالعه است؛ و از روش فراتحلیل کیفی استفاده شده است. فراتحلیل با نگاه تراکمی نسبت به نتایج فعالیت‌های پژوهشی سعی دارد تصویری کلی از تحقیقات را در حوزه‌های مختلف ارائه دهد و به پژوهشگر امکان ترکیب و رسیدن به نتایج جامع‌تری را دهد. اگرچه فراتحلیل را معمولا جزء روش‌های کمی می‌دانند اما این روش، قابلیت به‌کارگیری در رویکردهای کیفی را نیز دارا است. فراتحلیل با نگاهی تراکمی نسبت به نتایج فعالیت‌های پژوهشی سعی دارد تصویری کلی از تحقیقات را در حوزه‌های مختلف ارائه دهد و به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که داده‌های به‌دست‌آمده از بررسی چندین

[24] . Naila Kabeer

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

مطالعه را باهم ترکیب کنند و به نتایج جامع‌تری برسند (کرمانی و دیگران، ۱۳۹۷: ٤١). در واقع روش فراتحلیل، فرایند ادغام نتایج یکسری بررسی‌های تجربی است که می‌تواند ناهمگونی و همگونی مطالعات را نشان دهد. اندیشمندانی مانند پاتریسون[۲۵]، از روش یادشده با عنوان «فرامطالعه» نیز یاد کرده‌اند که به معنای تحلیل پژوهش‌هایی است که در بازه‌های زمانی گوناگون انجام شده‌اند؛ به این ترتیب که آن را مقایسه و ارزیابی می‌کند و به نوعی، تلفیق و بازنگری در پژوهش‌های انجام شده است (پیشین: ٤٣).

در این مطالعه، جامعهٔ مورد مطالعه ۷۰ پژوهش و مقاله است که در بازهٔ زمانی سه دههٔ اخیر در حوزهٔ توانمندسازی زنان در ابعاد اقتصادی انجام شده است. شیوهٔ گزینش مقالات نیز از طریق پایگاه‌های جستجویی چون جهاد دانشگاهی، مرکز منطقه‌ای اطلاع رسانی علوم و فناوری، مگیران، نمامتن، سیویلیکا، پرتال جامع علوم‌انسانی، علم‌نت، مدیر، نورمگز، ایران‌داک (پایان‌نامه‌های دانشگاهی) و کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های تهران، علامه، شهید بهشتی، الزهرا، تربیت مدرس، شیراز، اصفهان، اهواز، فردوسی مشهد و مازندران بوده است. مؤلفه‌های اساسی در نمونه‌گیری برحسب کلیدواژه‌های توانمندسازی اقتصادی و زنان در نظر گرفته شده است و جامعهٔ مورد (مقیاس شهری، منطقه‌ای یا کشوری) و نوع جمعیت هدف محدودیتی در گزینش مقالات ایجاد نمی‌کند. در فراتحلیل کیفی، محتوای مطالعات در دو شکل بررسی می‌شود: نخست به لحاظ خصوصیات صوری- ساختاری مانند حوزه‌های مطالعه، روش به کار رفته، تخصص نویسندگان و غیره و در بخش دوم، ویژگی‌های محتوایی آنها تجمیع می‌گردد تا نقاط قوت و ضعف حوزه مذکور مشخص شود.

در بخش مختصات صوری و ساختاری، معیارهای ارائهٔ اطلاعات بر حسب جدول شمارهٔ ۱ خواهد بود.

جدول شمارهٔ یک- مؤلفه‌های صوری و ساختاری

مؤلفه‌های صوری و ساختاری
سال انتشار مطالعات
رشتهٔ تحصیلی پژوهشگران
استان مورد مطالعه

[25] .Patterson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

روش مورد استفاده
تکنیک تحلیل داده
ابعاد مورد مطالعه
تفکیک شهری/ روستایی جامعهٔ مورد مطالعه
نوع مطالعه

یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های حاصل از فراتحلیل در چند بخش ارائه می‌شود. ابتدا جداول صوری و ساختاری مطالعات بررسی شده ارائه می‌شود و سپس یافته‌های توصیفی مطالعات به صورت تجمیع شده مطرح می‌گردد. در نهایت مهم‌ترین مولفه‌ها و شاخص‌های تگرار شونده در ارزیابی‌ها در قابل جدول ارائه خواهد شد.

مختصات صوری و ساختاری مطالعات

در این بخش از ارائهٔ یافته‌ها، اطلاعاتی مرتبط با مختصات صوری و ساختاری مطالعات مرور شده را در قالب جداول تبیین می‌کنیم. در فراتحلیل، این امکان وجود دارد که نمایی از مختصات مطالعات یک حوزه به دست آید؛ مواردی چون فراوانی سال‌های پرداختن به آن، گروه‌های تحصیلی یا رشته‌های تخصصی درگیر با مسأله، ویژگی‌های جمعیت مورد مطالعه و... دستیابی به چنین اطلاعاتی در کنار یافته‌های مطالعات کمک می‌کند نقاط قوت و ضعف حوزهٔ مورد بررسی از زوایای مختلف قابل ارزیابی باشد. انتخاب مؤلفه‌های صوری و ساختاری عموما امری منعطف در فراتحلیل است و قاعده مشخصی ندارد اما برخی ویژگی‌ها چون سال، جمعیت، رشتهٔ پژوهشگران جزء موارد ثابت هستند.

جدول شمارهٔ دو- فراوانی مقالات بر حسب سال انتشار

ردیف	سال انتشار	فراوانی	درصد
۱	۱۳۸٤	۱	۱/٤۲
۲	۱۳۸۷	۲	۲/۸۵

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

۳	۱۳۸۹	۲	۲/۸۵
٤	۱۳۹۰	۲	۲/۸۵
٥	۱۳۹۱	٤	٥/۷۱
٦	۱۳۹۲	۹	۱۲/۸٥
۷	۱۳۹۳	٤	٥/۷۱
۸	۱۳۹٤	۲	۲/۸٥
۹	۱۳۹٥	۲	۲/۸٥
۱۰	۱۳۹٦	۸	۱۱/٤۲
۱۱	۱۳۹۷	۱٤	۲۰/۰۰
۱۲	۱۳۹۸	۸	۱۱/٤۲
۱۳	۱۳۹۹	۷	۱۰/۰۰
۱٤	۱٤۰۰	٥	۷/۱٤
۱٥	جمع	۷۰	۱۰۰

همان‌طور که در جدول فراوانی سال‌های انتشار مقالات نشان داده شده است، از نیمهٔ دههٔ ۹۰ با گسترش پژوهش‌های این حوزه رو به رو بوده‌ایم و تا سال ۱٤۰۰ به طور متوسط هر سال تقریبا ۸ مقاله یا پایان‌نامه با موضوع توانمندسازی اقتصادی زنان منتشر شده است. سال‌های ۱۳۹۲، ۱۳۹٦، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ پرتعدادترین پژوهش‌ها را دارا هستند و به نظر می‌رسد که پس از آن روند مطالعات این حوزه وارد شیب کاهشی نامحسوسی شده است. علت اهمیت گرفتن این موضوع از اواسط دههٔ ۹۰ می‌تواند به دلیل مطرح شدن گستردهٔ آن در حوزهٔ عمومی، سیاست‌گذاری و نیز رسانه باشد. این خود می‌تواند به علت برگزاری همایش‌های مختلف با محوریت توانمندسازی زنان باشد، هرچند ممکن است مقالات منتشر شده به طور مستقیم توانمندسازی اقتصادی زنان را به عنوان مسألهٔ محوری خود مورد بررسی قرار نداده‌اند (مسائلی چون مشارکت اجتماعی، اقتصادی، توسعهٔ پایدار

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

و اشتغال، موضوعات منفرد آنها بوده است) اما در نهایت با توجه به عنوان همایش مطرح شده، توانمندسازی در گفتمان عمومی را در پی داشته‌اند.

جدول شمارهٔ سه- فراوانی مقالات بر حسب رشتهٔ تحصیلی پژوهشگران

ردیف	رشته	فراوانی	درصد
۱	کشاورزی	۲۱	۳۰/۰۰
۲	معماری	۱	۱/۴۲
۳	علوم اجتماعی (مطالعات زنان، پژوهشگری اجتماعی)	۱۲	۱۷/۱۴
٤	جغرافیا و برنامه ریزی روستایی	۷	۱۰/۰۰
٥	جامعه شناسی و روانشناسی	۱	۱/۴۲
٦	جامعه شناسی و جغرافیا	۱	۱/۴۲
۷	جغرافیا	٤	٥/۷۱
۸	مدیریت	۷	۱۰/۰۰
۹	مطالعات زنان	۱	۱/۴۲
۱۰	کارآفرینی و توسعه روستایی	۱	۱/۴۲
۱۱	شهرسازی ، برنامه ریزی شهری و	۱	۱/۴۲
۱۲	روانشناسی	۲	۲/۸٥
۱۳	گردشگردی	۱	۱/۴۲
۱٤	روانشناسی و جغرافیا و برنامه ریزی روستایی	۱	۱/۴۲
۱٥	اقتصاد	٥	۷/۱٤
۱٦	جغرافیا و برنامه ریزی شهر	۱	۱/۴۲

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

۱۷	کارآفرینی	۳	٤/۲۸
۱۸	جمع	۷۰	۱۰۰

در خصوص رشته‌هایی که به این موضوع پرداخته‌اند، پراکندگی، بسیار قابل ملاحظه و حتی بعضا دور از انتظار است. به عنوان مثال حوزهٔ کشاورزی (حدود ۳۰ درصد) در شاخه‌های گوناگونش بیشترین فراوانی مطالعات را داشته است که البته امری است که خود را در پرداختن قابل توجهی به زنان روستایی نیز نشان می‌دهد. پس از آن حوزهٔ علوم اجتماعی در تمامی گرایش‌هایش، روانشناسی، مشاوره، علوم تربیتی و جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری (به طور خاص جغرافیای روستایی) بیشترین سهم را دارا هستند. حوزه‌هایی چون گردشگری و معماری رتبه‌های بعدی را شامل می‌شوند. این تنوع، نکتهٔ مثبتی است که نشان می‌دهد توانمندسازی زنان محدود به عرصهٔ مطالعاتی خاصی نشده است اما ورود به یافته‌ها مشخص خواهد کرد که کیفیت پرداختن به مسأله از سوی رشته‌ای چون کشاورزی با این فراوانی قابل ملاحظه چه نسبتی با کمیت دارد.

جدول شمارهٔ چهار- فراوانی مقالات بر حسب روش

ردیف	روش	فراوانی	درصد
۱	کمی	٤۹	٦۸/۵۷
۲	کیفی	۱۵	۲۱/٤۲
۳	ترکیبی	۷	۱۰/۰۰
٤	جمع	۷۰	۱۰۰

در خصوص روش مطالعات، همان‌گونه که پیداست بیشترین فراوانی متعلق به روش‌های کمی است (حدود ۷۰ درصد) و روش‌های کیفی و ترکیبی در مجموع ۳۰ درصد مطالعات بوده‌اند. غلبهٔ روش‌های کمی در حوزهٔ پژوهش کشور، امری انکارناپذیر است به خصوص در حوزه‌های علوم انسانی و تجربی که هرچند می‌تواند به دلیل مقیاس و گستردگی جمعیت‌های مورد مطالعه مفید واقع شود، اما همان‌طور که در ادامه و در بخش یافته‌ها به آن خواهیم پرداخت. خلاء مطالعات کیفی،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

وابسته به تجربیات عاملیت محور افراد و نیز ورود به عمق بسترهای اقتصادی زنان در مناطق گوناگون وجود دارد.

جدول شمارهٔ پنج- فراوانی مقالات بر حسب تکنیک

ردیف	تکنیک	فراوانی	درصد
۱	پرسشنامه	٤٧	٦٧/١٤
۲	مصاحبه	٥	٧/١٤
۳	اسنادی	٥	٧/١٤
٤	آزمایش	١	١/٤٢
٥	مورد پژوهی	٥	٧/١٤
٦	ترکیبی	٧	١٠٠٠
٧	جمع	٧٠	١٠٠

متعاقب غلبهٔ روش‌های کمی می‌توانیم فراوانی تکنیک‌های مطالعه را با بیش از ٦٠ درصد متعلق به پرسشنامه ببینیم، ابزار ترکیبی با ۱۰ درصد، رتبهٔ بعدی را دارد و تکنیک‌های متعلق به رویکرد کیفی نیز حدود ۲۱ درصد مطالعات را شامل می‌شوند. فراوانی مطالعات با استفاده از تکنیک‌های ترکیبی نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از مطالعات از بیش از یک ابزار بهره جسته‌اند که قابلیت ارزیابی را بهبود می‌بخشد.

جدول شمارهٔ شش- فراوانی مقالات بر حسب جامعهٔ آماری

ردیف	استان	فراوانی	درصد
۱	تهران	۱۲	۱۷/۱٤
۲	کردستان	۱	۱/٤۲
۳	مازندران	۲	۲/۸٥

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

٤	کرمانشاه	۲	۲/۸۵
٥	کهکیلویه و بویر احمد	۱	۱/٤۲
٦	زنجان	۳	٤/۲۸
۷	لرستان	۲	۲/۸۵
۸	کرمان	۱	۱/٤۲
۱۰	ایلام	٦	۸/٥۷
۱۱	خراسان رضوی	۱	۱/٤۲
۱۲	اصفهان	۳	٤/۲۸
۱۳	خراسان جنوبی	۳	٤/۲۸
۱٤	همدان	۳	٤/۲۸
۱٥	شیراز	۳	٤/۲۸
۱٦	هرمزگان	۱	۱/٤۲
۱۷	آذربایجان شرقی	٤	٥/۷۱
۱۸	سیستان و بلوچستان	٥	۷/۱٤
۱۹	قزوین	۱	۱/٤۲
۲۰	آذربایجان غربی	۲	۲/۸۵
۲۱	اراک	۱	۱/٤۲
۲۲	گیلان	۳	٤/۲۸
۲۳	همدان و کرمانشاه	۱	۱/٤۲
۲٤	البرز	۳	٤/۲۸

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

۲۵	گلستان	۱	۱/۴۲
۲۶	سمنان	۱	۱/۴۲
۲۷	اردبیل	۲	۲/۸۵
۲۸	نامشخص	۲	۲/۸۵
۲۹	جمع	۷۰	۱۰۰

از نظر جامعهٔ هدف مطالعات، تهران، بیشترین فراوانی را با ۱۷ درصد به خود اختصاص داده است و پس از استان ایلام، سیستان و بلوچستان و آذربایجان شرقی رتبه‌های بعدی را دارا هستند. پراکندگی مطالعات در میان سایر استان‌ها مثبت به نظر نمی‌رسد. استان‌هایی چون کردستان، کهکیلویه و بویراحمد، کرمان، خراسان رضوی، هرمزگان، قزوین، اراک، گلستان و سمنان تنها یک مطالعه را در این مجموعه دارا بوده‌اند و خلاء پژوهشی در میان نیم بیشتری از استان‌ها دیده می‌شود.

جدول شمارهٔ هفت- فراوانی مقالات بر حسب جامعهٔ مورد مطالعهٔ شهری و روستایی

ردیف	مکان پژوهش	فراوانی	درصد
۱	شهری	۳۴	۴۸/۵۷
۲	روستایی	۳۲	۴۵/۷۱
۳	شهری و روستایی	۴	۵/۷۱
۴	جمع کل	۷۰	۱۰۰

حوزهٔ شهری و روستایی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد اختلاف قابل توجهی بین آنها وجود ندارد، هرچند مطالعات شهری کمتر از ۳ درصد بیشتر هستند و حدود ٦ درصد مطالعات ترکیبی از جامعهٔ روستایی و شهری را مورد نظر داشته‌اند. چنین نسبتی بیانگر آن است که علی‌رغم اختلاف جزئی موجود، تعادل نسبی میان جامعهٔ هدف از نظر موقعیت جغرافیایی برقرار است. در نظر داشتن زنان نواحی روستایی در حوزهٔ توانمندسازی اقتصادی نکته‌ای مثبت است هرچند کیفیت و محتوای

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

مورد مطالعه نیز اهمیت دارد اما «دیده شدن» گروه‌هایی که سال‌های متمادی از نظریات توسعه و به تبع آن توانمندسازی اقتصادی به دور افتاده بوده‌اند، پدیده‌ای مثبت است.

جدول شمارهٔ هشت- فراوانی بر حسب نوع مطالعه

ردیف	موضوع	فراوانی	درصد
۱	مقاله	۳٦	۵۱/٤۲
۲	پایان‌نامه	۳٤	٤۸/۵۷
۳	جمع کل	۷۰	۱۰۰

در خصوص نوع مطالعات، در حدود ۵۱درصد آنها مقاله (انواع مقاله) بوده‌اند و در حدود ٤۹ درصد را پایان‌نامه‌های دانشگاهی شامل شده است. در خصوص پایان‌نامه‌ها ذکر این نکته می‌تواند مفید باشد که اعم آنها در مقطع کارشناسی ارشد به تحریر درآمده‌اند و جای خالی پرداختن به مسألهٔ توانمندسازی در سطوح عالی‌تر چون دکتری تخصصی مشاهده می‌شود.

یافته‌های توصیفی

در بخش ارائهٔ یافته‌های توصیفی، بر حسب فراوانی و نوع مطالعات توانمندسازی اقتصادی، سه حالت دسته‌بندی امکان‌پذیر شد: نخست بر اساس گروه هدف که شامل زنان سرپرست خانوار بود؛ حوزهٔ تعاونی‌ها و بنگاه‌های اعتبارات خرد روستایی و در نهایت حوزهٔ اشتغال، کارآفرینی و مشاغل خانگی.

گروه هدف: زنان سرپرست خانوار

طبق تمامی مطالعات، از آن‌جایی که بزرگترین مشکل زنان سرپرست خانوار، مشکل اقتصادی است؛ هر اقدامی برای کاهش این مشکل مفید خواهد بود. نتایج مطالعات نشان داده است که آموزش‌های عمومی و طرح‌های درآمدزایی موجب احساس توانمندی در زنان سرپرست خانوار می‌شوند. خیلی از مسائل آنان به وسیلهٔ اقتصاد و ه خصوص، پول حل می‌شود و نبود وضعیت اقتصادی مناسب، موجب بروز سایر مشکلات برای آنان می‌شود. بنابراین، وجود طرح‌های درآمدزایی نظیر بازارچه‌های خود اشتغالی و گروه‌های همیار که می‌توانند در رفع مشکل اصلی آنها یعنی اشتغال مؤثر باشد، پیشنهاد اصلی بسیاری از مطالعات مرور شده در حوزهٔ توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار بوده است. محققین معتقد هستند فقر زنان سرپرست خانوار در عین حال که به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

شدت اقتصادی است؛ اجتماعی، فرهنگی و روانی نیز است. توانمندی اقتصادی پایین، شرایط نامطلوب روابط اجتماعی و به تبع آن مشکلات روانشناختی، قابلیت فردی زنان را کاهش می‌دهد و توانمندی آنان را در سطح پایینی نگه داشته است.

مطالعات نشان می‌دهند ارتباط مستقیم و مؤثر بین مشارکت سیاسی-اجتماعی، سلامت اجتماعی و شاخص روانشناختی و توانمندی زنان سرپرست خانوار وجود دارد. این افراد دارای شبکهٔ اجتماعی ضعیف و محدود به شبکهٔ خویشاوندی هستند و حضور محدودی در عرصهٔ عمومی دارند. آموزش، یکی از مهم‌ترین ابزارها برای توسعهٔ نیروهای انسانی است که نوعی مداخلهٔ آگاهانه و طراحی شده برای بالا بردن عملکرد محسوب می‌شود و در برخی از پژوهش‌ها با توجه به گروه هدف، توانمندسازی بر روی گروه زنان سرپرست خانوار صورت گرفته است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که آموزش‌های طراحی شده بر بالا بردن توانایی زنان سرپرست خانوار در بحث مهارت‌ها، از بعضی جنبه‌ها مؤثر بوده است، بنابراین، قابل انتظار است که افراد تحت آموزش، در برخی زمینه‌ها نسبت به گروه‌های دیگر و نسبت به عملکرد خودشان قبل از اجرای بستهٔ آموزشی، وضعیت و عملکرد بهتری داشته باشند. بنابراین، داشتن شغل یا فعالیت مثبت در اجتماع برای تمامی افراد به ویژه زنان سرپرست خانواده با رشد مهارت‌ها، ایجاد یک چارچوب زمان‌بندی شدهٔ منظم برای زندگی، تعامل اجتماعی، کسب هویت فردی، شغل و جایگاه اقتصادی و اجتماعی همراه است.

عاملیت یکی از عوامل کلیدی در فرایند توانمندسازی می‌باشد. زنانی که قابلیت بیشتری داشتند، توانسته‌اند از خدمات ارائه شده بهتر استفاده کنند. خدمات ارائه شده آنجا که به توانمندی (روانی، اقتصادی) انجامیده است، فقط به توانمندی آن دسته از زنانی که از خدمات خوداشتغالی و خدمات آموزشی استفاده نموده‌اند، منجر شده است و آن دسته که از خدمات به عنوان مستمری و مساعدت استفاده کرده‌اند، در هیچ زمینه‌ای توانمند نشده‌اند. همچنین این خدمات با توانمندی اجتماعی زنان ارتباط چندانی نداشته است. مسألهٔ در این خدمات، فقدان برنام، مشخص و مدون و حیطهٔ فراگیری و پوشش این نوع خدمات است که بسیار محدو بوده‌اند.

نتایج حاصل از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آگاه‌سازی (فردی و شغلی) و کارآفرینی، دو عامل مهم و اثرگذار بر عزت نفس و گرایش‌های کارآفرینی زنان سرپرست خانواده محسوب می‌شوند. از این رو، ارائهٔ آموزش‌های لازم به زنان (به ویژه زنان سرپرست خانواده) از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و یکی از مهم‌ترین راهکارهای عملی برای هدایت زنان به سوی بازار کار است که این امر در بازگشت موجب افزایش نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور خواهد شد. افرادی که تحصیلات بالاتری دارند، می‌توانند با استفاده از آن، شبکهٔ روابط اجتماعی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

خانواده و سرمایهٔ اقتصادی را افزایش دهند و به موقعیت‌های اجتماعی بالاتر دست یابند و از موقعیت و قدرت خود، برای افزایش سرمایهٔ اقتصادی و اجتماعی استفاده نمایند. همچنین حمایت اجتماعی یکی از مهم‌ترین فاکتورهای سلامت روانی و جسمانی است و زنان دارای حمایت اجتماعی، توانایی کنترل فشارهای شدید بر زندگی را دارند و دارای زندگی سالم‌تر، شاداب‌تر و مطلوب‌تری هستند. حمایت اجتماعی می‌تواند در کاهش آشفتگی‌های اقتصادی و پریشانی فردی مؤثر واقع شود و همچنین در سامان بخشیدن تعاملات روزمرهٔ افراد، کارکردی مطلوب داشته باشد. این امر در خصوص زنان سرپرست خانوار در مطالعات چالش‌برانگیز باقی مانده است زیرا هم‌زمان که نهادهای متعددی مدعای حمایت از زنان سرپرست خانوار را دارند، این مسأله در میان خود آنان ادراک ضعیفی داشته است و بیشتر از حمایت رسمی، حمایت غیررسمی از سوی اطرافیان و خویشاوندان را دریافت نموده‌اند. به این ترتیب می‌توان گفت برنامه‌های حمایتی از زنان سرپرست خانوار در مطالعات نیاز به آسیب‌شناسی بیشتر نهادهای رسمی در ارائهٔ حمایت‌های جامع (مالی، روانی، اجتماعی و..) را نشان می‌دهد.

اعتبارات و صندوق‌های خرد

مسألهٔ دیگر، کارایی ارایهٔ تسهیلات و اعتبارات خرد به زنان در جهت توانمندسازی اقتصادی می‌باشد. به عنوان نمونه طبق پژوهش‌های انجام شده یکی از موانع اکثر زنان این است که موفق به اخذ وام از منابع بانکی نمی‌شوند زیرا شرایط اعطای چنین تسهیلاتی بسیار سخت‌گیرانه تعریف شده است. اما به دلیل آسان بودن مراحل اخذ، اخذ بهرهٔ کم و عدم نیاز به وثیقه، تمایل به پیوستن به صندوق‌های اعتبارت خرد بیشتر است. اخذ وام منجر می‌شود درآمد اعضا به شکل معناداری افزایش یابد، از سوی دیگر میزان درآمد اعضا پس از شروع فعالیت اقتصادی ارتباط مستقیمی با میزان وام اخذ شده دارد و با افزایش میزان وام، درآمد اعضا افزایش می‌یابد و زمینهٔ لازم برای ایجاد شغل دائمی برای سایرین فراهم خواهد شد. با فعالیت، گسترش و تداوم صندوق‌های وام‌دهی غیررسمی، می‌توان ادعا کرد که صندوق‌ها به مثابهٔ الگویی بومی، از طریق ایجاد و افزایش سطح ابعادی مانند خوداشتغالی محلی، سواد (آموزش)، افزایش آگاهی، بهبود منزلت، اعتماد متقابل، انعطاف‌پذیری، علاقه‌مندی، استقلال و تعامل مداوم اعضاء، موجب درآمدزایی و سهیم شدن زنان در دارایی‌های خانواده، خودباوری و به‌طور خاص موجب روشن شدن چشم‌انداز توانمندسازی گشته‌اند. محققین معتقدند به منظور حمایت از زنان و فراهم آوردن امکانات برای اشتغال و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و رفاهی، از برنامه‌های سیستم اعتبارات خرد در سطح وسیع‌تری می‌توان استفاده کرد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

با افزایش میزان سرمایهٔ اولیه که توسط دولت تأمین می‌شود همچنین با ارتقا موجودی صندوق‌ها، زمینهٔ لازم برای افزایش میزان تسهیلات را می‌توان فراهم نمود. در نهایت با ارائهٔ آموزش‌های لازم، زمینه‌های افزایش بازدهی فعالیت‌های تولیدی فراهم خواهد شد. در واقع یکی از مهم‌ترین موضوعات در مسیر اشتغال‌زایی و کارآفرینی زنان، سرمایهٔ اولیه برای راه‌اندازی کسب و کار بوده است. در برخی پژوهش‌ها، سه نوع صندوق وام‌دهی غیررسمی ذکر شده است: صندوق‌های متعلق به دوستان، صندوق‌های مبتنی بر روابط خانوادگی-همسایگی و صندوق‌های حول روابط شغلی و اداری. تشکیل این صندوق‌ها و عضویت در آن‌ها، توانسته است به درآمدزایی و سهیم شدن زنان در دارایی‌های خانواده، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، بهبود باورهای عمومی نسبت به زنان، حفظ و تداوم کارگروهی و گسترش آن به امور دیگر منجر گردد.

بنابراین، صندوق‌های اعتبارات خرد، به هر شکلی که باشند با بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان در توانمندسازی آنان کارآمد خواهند بود. اگرچه مؤلفه‌های اقتصادی توانمندسازی زنان روستایی در حد نسبتا پایینی تحقق یافته است، ولی در کنار این توانایی‌ها، توانمندی اجتماعی آنان نیز تا حدودی حاصل شده است و زنان توانسته‌اند در خانه و جامعهٔ محلی، بیشتر از قبل تأثیرگذار باشند. اعتماد به اعضای گروه، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی است. عضویت در این صندوق‌ها و دریافت و بازپرداخت وام بر اساس اعتماد و اطمینان افراد به هم می‌باشد و هیچ‌گونه ضمانت و مدرکی اخذ نمی‌شود. از مهم‌ترین راهکارهای ارائه شده جهت توانمندسازی اقتصادی زنان "حمایت از اعضاء و جهت‌دهی فعالیت‌های آنها " است. این راهکارها شامل مواردی چون کمک در بازاریابی و تأمین ارزان مواد اولیه به اعضای صندوق، شناسایی و اولویت‌بندی مشاغل خرد متناسب با میزان وام پرداختی و افزایش مبلغ وام در صورت نیاز می‌تواند باشد. بدون شک تلاش و پیگیری صندوق‌های اعتبارات خرد در جهت اجرای راهکارها، کمک شایانی به توانمندی اقتصادی و به طبع، توانمندی اجتماعی هر چه بیشتر زنان نموده است زیرا که بسیاری از زنان دریافت کنندهٔ وام، به دلیل عدم آشنایی با مشاغل خرد، برنامه هدفمندی برای صرف وام ندارند. همچنین زنانی که در مسیر تولید قرار گرفته‌اند، توانایی لازم برای عرضهٔ مناسب محصولات تولیدی را ندارند. مدیریت صندوق‌ها از موارد مهم می‌باشد، اگرچه این راهکارها به طور مستقیم بر توانمندی زنان عضو تأثیرگذار نخواهند بود، اما واقعیت آن است که عملکرد درست صندوق‌های اعتباری خرد، از طریق به‌کارگیری راهکارهای ارائه شده، در درازمدت بر روند توانمندی زنان عضو اثر خواهد گذاشت و به عبارت دیگر، هرچه مدیریت صندوق‌ها به شکل صحیح‌تری صورت بگیرد، احتمال توانمندی زنان عضو، بیشتر خواهد بود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

اشتغال و کارآفرینی

شاید مهم‌ترین دسته‌بندی جهت توصیف یافته‌های مقالات و پایان نامه‌های مورد بررسی، اشتغال و کارآفرینی زنان شهری و روستایی باشد. زنان روستایی و شهری در جامعهٔ ایرانی، تفاوت‌های ویژه‌ای باهم دارند، زیرا زنان نیز مانند همهٔ گروه‌های اجتماعی دیگر، با توجه به موقعیت جغرافیایی زندگی خود، گاهی شرایط متفاوت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را تجربه می‌کنند. داده‌های این تحقیقات نشان می‌دهد که اشتغال و توانمندسازی با وجود موانع فرهنگی، رابطهٔ بسیار قوی در مناطق شهری و روستایی دارند و داشتن درآمد در این زمینه بسیار مؤثر است. امروزه در بسیاری از جوامع، تحصیلات رسمی جزء پیش‌نیازهای توانمندسازی اقتصادی زنان می‌باشد. داده‌های تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که تحصیلات رسمی، اثر معنی‌داری روی توانمندسازی زنان شهری دارد. هرچند انتظار محققین این بود که تأثیر تحصیلات از درآمد بالاتر باشد ولی به دلیل نرخ بالای بیکاری در کشور و انتظار پایین در یافتن شغل برای زنان موجب شده است که ضریب تحصیلات نسبت به اشتغال در مدل برخی از تحقیقات پایین باشد. تحصیلات بالاتر شانس دسترسی به شغل را افزایش می‌دهد، از طرف دیگر می‌توان گفت که اشتغال نیز در ایجاد انگیزه برای ادامه تحصیل و ارتقای شغل نقش مؤثری دارد، اما میزان دستیابی زنان شهری به اشتغال، متناسب با رشد تحصیلات رسمی آنان نبوده است، هرچند در جامعهٔ ایران دستیابی زنان به مدارج بالاتر تحصیلی منجر به مشارکت بیشتر، اشتغال و طیف وسیع‌تری از مشاغل برای آنها نشده است، اثربخشی تحصیلات رسمی به دلیل عدم کمیت مناسب، کیفیت مشابهی برای زنان روستایی ایفا نکرده نبود.

نتایج مطالعات همچنین نشان می‌دهد که برای دستیابی به اهداف توسعهٔ همه جانبه، مشارکت روستاییان به ویژه زنان روستایی در برنامه‌های کارآفرینی بسیار ضروری است. مطالعاتی که بر روی زنان روستایی انجام شده است، نشان می‌دهند اگر زنان در این زمینه توانمند شوند، از طریق مشاوره و آموزش‌های لازم و ایجاد تشکل‌های متعدد در توسعهٔ محلی، نقش مؤثری ایفا خواهند نمود. از جمله نتایج مهمی که برخی از پژوهش‌های در حوزهٔ توانمندسازی اقتصادی زنان بیان داشته‌اند، این است که زنان روستایی در صورت داشتن درآمد و فعالیت اقتصادی، تمایلی به مهاجرت به شهر نخواهند داشت. اثر افزایشی توانمندسازی شغلی بر فقرزدایی اقتصادی و پیرو آن، تحقق اهداف توسعهٔ پایدار شهری با توجه به نتایج مقالات در حوزهٔ توانمندسازی شغلی زنان، مشخص می‌کند که سرمایه‌گذاری در این زمینه به‌ویژه در زمینهٔ کارآفرینی بسیار مؤثر خواهد بود و توجه به اشتغال زنان به‌ویژه گسترش فرهنگ کارآفرینی در بین زنان، نیاز به سرمایه‌گذاری و نهادسازی بیشتری دارد؛ اما با توجه به محدودیت امکانات و عدم هماهنگی ارگان‌ها لازم است که برای انسجام و تحقق این

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

هدف و نتایج مثبت، همهٔ ارگان‌های مسؤول در یک کانون واحد مانند تعاونی‌های خود اشتغالی، برنامه‌های خود را اجرا کنند و با هم همکاری بیشتری از نظر آموزشی و مالی و نیز ایجاد یک بازار مطمئن جهت عرضهٔ محصولات زنان خود اشتغال و کارآفرین داشته باشند.

طبق یافته‌ها، ایجاد و ادغام تعاونی‌های زنان شاغل با وجود یک صندوق مالی که سرمایهٔ آن از حمایت ارگان‌های مسؤول و نیز سرمایه‌گذاری زنان شاغل تـأمین شـود، ضـمن نهادینه کردن فرهنگ کارآفرینی و اشتغال زنان، موانع پـیش پـای زنان را در جهت فقرزدایی‌شان هموار می‌کند. با تأیید اثرات بهبود توانمندسازی شغلی زنان بر میزان فقرزدایی آن‌ها و خانواده‌هایشان و نیز پیشتاز بودن زنان کارآفرین در فقرزدایی، اهمیت مسألهٔ توانمندسازی شغلی زنان و ضرورت برنامه‌ریزی کلان جامع برای آن، به‌ویژه در قالب برنامهٔ توسعهٔ کارآفرینی در سطح مناطق فقیر شهری، به عنوان راهکاری جهت فقرزدایی اقتصادی و تحقق توسعهٔ پایدار شهری برای زنان، ضروری دیده شده است. از دیگر مواردی که محققان معتقدند باید به‌صورت جدی به آن توجه شود، برگزاری کارگاه‌ها با مداخله گری مدیریت هماهنگی ترویج کشاورزی برای معرفی توان زنان روستایی در راستای بهبود اوضاع اقتصادی خانوارها برای اعضـای خانواده و مردان روستا می‌باشد. برگزاری نشست‌های مداوم و هدفمند که بتواند ذهنیت‌های افراد خانواده و افراد روستا را نسبت به مشارکت اقتصادی زنان تغییر دهد و زمینهٔ حضور بیشتر زنان را در فعالیت‌ها اقتصادی فراهـم کنـد. نقش‌آفرینی مروجان و به کارگیری ظرفیت نظام آموزشی را باید همواره مورد نظـر قرار گیرد؛ زیرا از یک سو می‌توان با برگزاری دوره‌های آموزش برتوان و خلاقیت زنان افزود و از سویی دیگر بـا معرفی این توان‌ها و قابلیت‌ها به دیگر افراد و حتی اعضای خانواده بتوان مسیر ورود زنان را به عرصهٔ فعالیت‌های کاری و اقتصادی بیشتر باز کرد.

طبق یافته‌های تحقیقات، مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر توسعهٔ کارآفرینی زنان عبارتند از: سطح سواد و دانش فردی زنان، شرکت در دوره‌های آموزشی کارآفرینی، کسب درآمد، عامل عضویت در گروه‌های ثانویه، حمایت خانواده، حمایت نهادهای دولتی و عامل حمل‌ونقل. در واقع در بین عوامل مؤثر بر کارآفرینی، آنها در هفت دستهٔ زیرساختی، محیطی، خانوادگی، فردی، رفتاری، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی -مالی، نهادی- قانونی و ترویجی -آموزشی طبقه‌بندی شده‌اند. طبق این مطالعات، هر چه فرهنگ جامعهٔ مورد مطالعه به برابری جنسیتی نزدیک‌تر و اجتماع با حضور زنان در فعالیت‌های مختلف نزدیک‌تر باشد، عضویت زنان در گروه‌های اجتماعی نیز ارتقا داشته است. بنابراین، بین هر یک از هفت عامل مرتبط با کارآفرینی، متغیرهای گوناگونی وجود دارد که هر کدام از آنها تأثیرات مختلفی بر کارآفرینی زنان دارند. از آنجا که دیدگاه‌های مختلفی در مورد عوامل

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

مرتبط با کارآفرینی شامل نظریه‌های اقتصادی، روانشناختی، رفتاری و غیره وجود دارد و هر کدام یک عامل را بر کارآفرینی مؤثر دانسته‌اند، می‌توان گفت که همهٔ عوامل در توسعهٔ کارآفرینی تأثیرگذارند، اما شدت اثرگذاری و اهمیت هر یک از متغیرها متفاوت است. بنابراین، نباید عاملی را بی تأثیر در نظر گرفت و برنامه‌ریزی‌ها به منظور توسعهٔ کارآفرینی زنان باید با توجه به نقش عوامل گوناگون اثرگذار بر این امر صورت گیرند.

جدول شمارهٔ نه-شاخص‌های توانمندسازی اقتصادی

	شاخص‌ها	فراوانی	درصد
توانمندسازی اقتصادی	سن	۲۱	۷۰/۰۰
	تحصیلات	۲٤	۸۰/۰۰
	تمایل به شرکت و مشارکت اجتماعی و اقتصادی	۱۹	٦۳/۳۳
	دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات	۹	۳۰/۰۰
	عزت نفس و احساس خودکارآمدی	۱٤	٤٦/٦٦
	سلامت، بهداشت و امنیت اجتماعی و روانی	۱۱	۳٦/٦٦
	داشتن شغل و درآمد کافی	۲٦	۸٦/٦٦
	کارآفرینی و توسعه مشاغل خانگی	۲۷	۹۰/۰۰
	آموزش و مهارت یابی	۱۹	٦۳/۳۳
	اعطای تسهیلات و اعتبارات خرد	۱۵	۵۰/۰۰
	دسترسی به منابع مولد	۱۱	۳٦/٦٦
	قدرت و عاملیت	۷	۲۵/۰۰
	امنیت غذایی و رفتار مصرفی زنان	۷	۲۵/۰۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

	نابرابری جنسیتی	۲	٦/٦٦
	نگرش‌های محیط زیستی	۳	۱۰/۰1
	داشتن ایدهٔ نو و ذهنیت نوگرایانه	۱۱	۳٦/٦٦
	کسب و کار خانگی	۱٦	۵۳/۳۳

بررسی شاخص‌هایی که بیشترین تکرار در مطالعات را داشته‌اند، نشان می‌دهد که داشتن درآمد و شغل، کارآفرینی، سن و تحصیلات علاوه بر آن که پرتکرارترین موارد مورد سنجش بودند، از شاخص‌های مهم در توسعهٔ اشتغال و کارآفرینی است که در محیط‌های شهری اهمیت و اثربخشی افزون‌تری دارد. همچنین در صورت کار گروهی، مشارکت، تعامل و دسترسی به منابع مالی، زنان اشتغال موفقیت‌آمیزتری خواهند داشت. همچنین اهمیت شاخص آموزش، دسترسی به فناوری و تقویت عزت نفس و اعتماد زنان در راستای داشتن ایدهٔ نو و ذهنیت نوگرایانه در راستای توسعهٔ کسب و کارهای خانگی به خصوص در محیط‌هایی با فرهنگ بسته‌تر می‌تواند راهگشای مشکلات اقتصادی و شغلی زنان گردد. نابرابری جنسیتی، عاملیت و نگرش‌های محیط زیستی از شاخص‌هایی هستند که علی‌رغم اهمیتی که بر مطالعات نشان داده‌اند، کمتر جزء شاخص‌های مورد سنجش بوده‌اند. از این‌رو، برنامه‌ریزان در امر توسعه باید به این شاخص‌ها توجه ویژه نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی و مرور مطالعات انجام شده در حوزهٔ توانمندسازی اقتصادی زنان، نشان از تنوع بالا و ورود رشته‌های مختلف جهت پرداختن به مسألهٔ توانمندسازی اقتصادی می‌باشد. اعداد و فراوانی موجود در جداول صوری و ساختاری نشان می‌دهد، از نیمهٔ دههٔ ۹۰ با گسترش پژوهش‌های این حوزه، روبه‌رو بوده‌ایم. علت اهمیت گرفتن این موضوع از اواسط دههٔ ۹۰ می‌تواند به دلیل مطرح شدن گستردهٔ آن در حوزهٔ عمومی، سیاست‌گذاری و نیز رسانه باشد. در خصوص رشته‌هایی که به این موضوع پرداخته‌اند، پراکندگی بسیار قابل ملاحظه به چشم می‌خورد، به عنوان مثال حوزهٔ کشاورزی (حدود ۳۰ درصد) در شاخه‌های گوناگونش بیشترین فراوانی مطالعات را داشته است و پس از آن گرایش‌های علوم اجتماعی و مدیریت قرار دارند. این تنوع نکتهٔ مثبتی است که نشان می‌دهد توانمندسازی زنان محدود به عرصهٔ مطالعاتی خاصی نشده است. در بررسی محتوایی مقالات نیز سه حوزه قابل تفکیک بود: نخست بر اساس گروه هدف (زنان سرپرست خانوار)، تعاونی‌ها و صندوق‌های اعتبارات خرد و اشتغال و کارآفرینی. به طور مشترک هر سه حوزه با مسائلی چون

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

تبعیض جنسیتی در دستمزدها، کمبود تسهیلات مالی برای زنان کارآفرین، عدم دسترسی به منابع آموزشی و فرصت‌های شغلی برابر و نیز محدودیت‌های قانونی و اجتماعی مواجهند.

به صورت کلی و جامع، عوامل مهم در حوزهٔ توانمندسازی اقتصادی زنان را می‌توان به عوامل سیاستی-زیربنایی و وضعیتی-محیطی تقسیم کرد. در بخش عوامل سیاستی-زیربنایی، دسترسی به منابع مالی و سرمایه‌گذاری برای زنان، نقش حیاتی در توانمندسازی اقتصادی دارد، که شامل ارائهٔ وام‌های بانکی با شرایط مناسب، تسهیلات مالی و سرمایه‌گذاری در زمینهٔ کسب و کارهای زنان و ایجاد بسترهای مالی و سرمایه‌گذاری برای زنان کارآفرین است. ایجاد قوانین و مقرراتی که از تبعیض جنسیتی جلوگیری کنند و حقوق زنان را تضمین کنند، از جمله عوامل مهم دیگر در این دسته‌بندی است. همچنین ایجاد سیاست‌های حمایتی و تشویقی برای توانمندسازی اقتصادی زنان نقش مهمی در این زمینه دارد. ارائهٔ آموزش‌های مهارتی و فنی به زنان به منظور افزایش توانمندی‌های آنان در حوزه‌های مختلف اقتصادی، از جمله سیاست‌های مهم در توانمندسازی اقتصادی زنان است. سیاست‌های توسعهٔ بنیادین که به بهبود شرایط زنان در جامعه و اقتصاد کمک کنند، نقش مهمی در در این زمینه دارد. سیاست‌های که شامل توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی، ایجاد فرصت‌های اشتغال، توسعهٔ بخش‌های اقتصادی روستایی و محروم و توجه به نیازهای خاص زنان در برنامه‌های توسعه است. این عوامل در کنار تلاش‌های جامعه و نهادها می‌توانند به ارتقای نقش و مشارکت زنان در اقتصاد کشور کمک کنند.

در سال‌های اخیر توجه به تفکر خلاق، آموزش شهروندی، آموزش‌های ترویجی و آگاهی اجتماعی، نقش مهمی در توانمندسازی اقتصادی زنان در ایران داشته‌اند. آموزش تفکر خلاق به زنان کمک می‌کند تا در حل مسائل و پیشرفت در حوزهٔ اقتصادی، ایده‌های نوآورانه و خلاقانه داشته باشند. آموزش شهروندی آگاهی زنان را دربارهٔ حقوق و وظایف شهروندی، مشارکت اجتماعی و سیاسی و رفتارهای مسؤولانه تقویت می‌کند. آموزش‌های ترویجی به زنان کمک می‌کند تا مهارت‌ها و دانش مورد نیاز برای ورود به بازار کار را به دست آورند. این آموزش‌ها می‌توانند شامل آموزش مهارت‌های کسب و کار، مدیریت مالی، بازاریابی، مهارت‌های ارتباطی و فروش و سایر مهارت‌های عملی مرتبط با حوزهٔ کسب و کار باشند. آگاهی اجتماعی، زنان را با چالش‌ها و فرصت‌های موجود در جامعه و اقتصاد آشنا می‌کند. در نهایت زیرساخت‌های آموزشی می‌توانند زنان را قادر سازند تا با مهارت‌های لازم و آگاهی کافی، در حوزهٔ اقتصادی به‌صورت موفق عمل کنند. این موارد می‌تواند زنان را به عنوان کارآفرینان، رهبران، فعالان اجتماعی و مشارکت‌کنندگان فعال در توسعهٔ اقتصادی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

تقویت کنند. همچنین، این زیرساخت‌ها می‌توانند به زنان اعتماد به نفس بیشتری دربارهٔ توانایی‌هایشان در حوزهٔ اقتصادی بدهد که سبب ایجاد تغییرات مثبت در زندگی خود و جامعه شود.

عوامل وضعیتی-محیطی در حوزهٔ توانمندسازی اقتصادی زنان با توجه به نقش ژرف فرهنگ و عرف در جامعهٔ ایرانی می‌توانند تأثیرگذاری بیشتری نسبت به عوامل زیرساختی داشته باشند. فرهنگ و جامعه، بازنمایی‌های متفاوتی از نقش زنان در اقتصاد دارند و می‌توانند توانمندسازی زنان را تحت تأثیر قرار دهند. ایجاد فرهنگی که تساوی جنسیتی و نقش زنان در اقتصاد را ترویج کند، ارزش‌گذاری اجتماعی بر تلاش‌ها و دستاوردهای زنان و تغییر نگرش‌های جامعه دربارهٔ نقش زنان در حوزهٔ اقتصادی از جمله عوامل مهم است. دسترسی به تحصیلات و آموزش مناسب و به‌روز برای زنان نقش بسیار مهمی در توانمندسازی اقتصادی آنان دارد. دسترسی به فناوری و ارتباطات مدرن می‌تواند زمینه‌ساز توانمندسازی اقتصادی زنان باشد که شامل دسترسی به اینترنت، تکنولوژی ارتباطات، ابزارهای دیجیتال و فرصت‌های کسب و کار آنلاین برای زنان است. ایجاد فرصت‌های شبکه‌سازی و همکاری بین زنان و نهادهای مربوطه، سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی می‌تواند به توانمندسازی اقتصادی زنان کمک کند. ایجاد فضاهای تبادل تجارب و دانش، ارائهٔ فرصت‌های شبکه‌سازی و آموزش و تشکیل انجمن‌ها و اتحادیه‌های زنان بسیار مهم است. اجتماع و فرهنگ باید ارزش‌ها و نگرش‌هایی را ترویج کنند که نقش زنان در اقتصاد را تعزیز کنند و تغییر نگرش جامعه نسبت به نقش زنان در اقتصاد، ارائهٔ الگوهای موفقیت زنان در حوزهٔ کسب و کار و ترویج تربیت و آموزش برابر جنسیتی در این زمینه حائز اهمیت است.

جدول شمارهٔ ده- عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان برحسب «اولویت پژوهشگران»

عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان برحسب «اولویت پژوهشگران»	
سیاستی-زیربنایی	**وضعیتی-محیطی**
✓ بهبود مشارکت اقتصادی (مشاغل زودبازده، تعاونی‌ها و صندوق اعتبارات خرد) ✓ عاملیت (کنشگری، عدالت جنسیتی)	✓ داشتن شبکه‌های رسمی و غیررسمی جهت مشارکت
✓ قوانین مالکیت و اشتغال زنان ✓ رفع تبعیض‌های قانونی ✓ ضعف نظارت و ارزیابی خروجی‌ها در کسب وکارهای خانگی	✓ نیازسنجی‌های مکانی و زمانی (داشتن شغل، وضعیت سلامت، نحو ارتباطات)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

✓ قوانین مالی (بانکی- مالیاتی-تسهیلاتی) ✓ حمایت اعضا و جهت‌دهی فعالیت‌ها ✓ ایجاد گفتمان بین سیاست‌گذار و مجری	✓ مسائل حمایتی(تصمیم‌گیری و کنترل در خانواده، خودکفایی و دیگر کفایی)
✓ نقش سازمان‌های غیررسمی ✓ دسترسی به منابع جهت اشتغال ✓ فرصت کار کردن	✓ مسائل فردی (تحصیلات، روابط درون فردی، آموزش)
✓ توسعهٔ فناوری و ارتباطات (سواد کامپیوتری) ✓ سرمایه‌گذاری غیردولتی ✓ تغییر نگرش محیط زیستی زنان	✓ مسائل فرهنگی (فرهنگ فقر، باورها عمومی و جریان سازی های جنسیتی)
✓ مداخله‌گری مؤثر کارآفرینان در آموزش و برگزاری نمایشگاه ✓ به روز نبودن کالاهای تولیدی (رویکرد سنتی به کار زنانه) ✓ ضعف بازاریابی نوین (محدودیت مکان‌های ارائه کننده و مراکز فروش متعدد در مراکز خرید مهم) و بسته‌بندی	✓ مسائل اجتماعی (نگرش منفی به کار کردن زنان، تحرکات اجتماعی پایین، انسجام و آگاهی اجتماعی پایین و...)

یکی از عرصه‌های مغفول مانده اما دارای پتانسیل قابل توجه طبق پژوهش‌ها، عاملیت زنان در عصر رسانه‌های اجتماعی است. نقش‌آفرینی فعالانه زنان در تولید محتوا و مشارکت در فرایندهای تولید، مصرف و انتقاد در حوزهٔ رسانه می‌تواند نقش مهمی در توانمندسازی اقتصادی آنها در ایران داشته باشد. آشنایی زنان با رسانه و روش‌های تولید محتوا می‌تواند آنان را به عنوان فعالان در حوزهٔ رسانه توانمند کند. مشارکت زنان در مصرف محتوا نیز می‌تواند توانمندسازی اقتصادی آنان را تقویت کند. زنان می‌توانند با مصرف محتواهای مرتبط با حوزهٔ اقتصاد، کسب و کار و توسعهٔ فردی، بهبود دانش و مهارت‌های خود را ارتقا دهند.

از طریق مطالعهٔ کتاب‌ها، مقالات، دنبال کردن وبلاگ‌ها، پادکست‌ها و تماشای ویدئوهای آموزشی، زنان می‌توانند با تحولات و ابتکارات در حوزهٔ اقتصادی همراه باشند. زنان می‌توانند از طریق انتقاد سازنده و بازخوردهای‌شان نسبت به محتواهای موجود، تغییرات و بهبودهای لازم در حوزهٔ رسانه را ایجاد کنند. با انتقاد سازنده و بیان نظرات خود، می‌توانند به تحول و بهبود کیفیت محتواهای موجود در حوزهٔ اقتصادی و زندگی مشارکت کنند. این نقش می‌تواند بهبودی در محتواهای رسانه‌ای منتشر شده دربارهٔ زنان و اقتصاد را به همراه داشته باشد و باعث ارتقای آگاهی و شناخت عمومی نسبت به موضوعات اقتصادی زنان شود. این فعالیت‌ها می‌توانند زنان را به عنوان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

فعالان در حوزهٔ اقتصاد تقویت کنند، آگاهی و شناخت عمومی را افزایش دهند و از طریق مشارکت در فرایند تولید، مصرف و انتقاد، زنان را در بهبود و توسعهٔ فردی و حرفه‌ای تشویق کنند. در نهایت باید گفت در راستای توانمندسازی اقتصادی زنان، توجه به چالش‌های باقیمانده و برطرف کردن موانع و مشکلاتی که ممکن است توانمندسازی اقتصادی زنان را محدود کند، در اولویت قرار دارد. توانمندسازی اقتصادی زنان در ایران از یک مسیر مثبت آغاز شده است، اما همچنان نیاز به تلاش و توجه بیشتر برای رفع موانع و ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان وجود دارد تا آنها بتوانند به طور کامل در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشور سهیم شوند. در جدول شمارهٔ ۱۰، عوامل مؤثر در توانمندسازی اقتصادی زنان طبق دو محور فوق ذکر شده است.

منابع

۱.شادی طلب، ژاله؛ وهابی، معصومه وحسن رمزیار (۱۳۸٤) «فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار»، **رفاه اجتماعی**، دورهٔ ۵، شمارهٔ ۱۷: ۲٤۸-۲۲۷.

۲.کرمانی، مهدی؛ نوغانی دخت بهمنی، محسن و زهرا برادران کاشانی (۱۳۹۷) «فراتحلیل کیفی مقالات پژوهشی حوزهٔ توانمندسازی زنان روستایی و شهری در ایران»، **مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان (مطالعات زنان سابق)**، دورهٔ ۱٦، شمارهٔ ۲: ۳۳-٥٤.

۳.کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت و زهرا فرخی راستابی (۱۳۸٤) «پیش‌شرط‌ها و موانع توانمندسازی زنان؛ مطالعهٔ موردی زنان شهر اصفهان»، **دانشگاه اصفهان**، دورهٔ ۱۹، شمارهٔ ۲: ۱ تا ۲۰.

٤.لانگه، سارا (۱۳۷۲) **معیارهایی برای تواناسازی زنان**، تهران:روشنگران.

5. Agarwal, B. (1997) «Bargaining and gender relations: Within and beyond the household». **Food Consumption and Nutrition Division Discussion Paper** No. 27. Washington, D.C.: International Food Policy Research Institute.

6. Basu, A.M. (1992) **Culture, the status of women and demographic behavior: Illustrated with the case of India**. Oxford: Clarendon Press.

7. Beegle, K., E. Frankenberg, and D. Thomas. (1998) «Bargaining power within couples and use of prenatal and delivery care in Indonesia». **Studies in Family Planning** 32(2): 130.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

8. Dyson, T. and M. Moore. (1983) «On kinship structure, female autonomy, and demographic behavior in India**». Population and Development Review** 9(1): 35-60.

9. Gage, A.J. (1995) «Women's socioeconomic position and contraceptive behavior in Togo», **Studies in Family Planning** 26(5): 264-277.

10. Gutierrez. M Lorraine M. (1995) «Understanding the Empowerment Process: Does Consciousness Make a Difference? » **Social Work Research** 19(4).

11. Kabeer, Naila (1999) «The Conditions and Consequences of Choice: Reflections on the Measurement of Womenís Empowerment». **United Nations Research Institute for Social Development (UNRISD).**Discussion Paper No. 108, August 1999 .

12. Kabeer, Naila (2001) «Reflections on the Measurement of Women's Empowerment.' In: Discussing Women's Empowerment: Theory and Practice». SIDA: **Swedish International Development Cooperation Agency**.

13. Kishor, S. (2000) Empowerment of women in Egypt and links to the survival and health of their infants. In Women's empowerment and demographic processes: Moving beyond Cairo, ed. H. Presser and G. Sen. New York: **Oxford University Press.**

14. Malhotra, A., Schuler, S.R. & Boender, C. (2002) «Measuring women's empowerment as a variable in international development». Background paper prepared for the World Bank workshop on poverty and gender. **Washington, D.C.: International Center for Research on Women.**

15. Mason, K. (1998) «Wives' economic decision-making power in the family: Five Asian countries». **In The changing family in comparative perspective**, Asia and the United States, ed. K.O. Mason Honolulu: East-West Center.

16. Rowlands, J. (1998) «A word of our time, but what does it mean? Empowerment in the discourse and practice of development», in H. **Afshar (ed.) Women and Empowerment: Illustrations from the Third World, Basingstoke**: Macmillan, pp. 11–34 .

17. Sen Amartya, (2000) **Development as freedom** /. FIRST ANCHOR BOOKS EDITIONAnchor ISBN: 0-385-72027-0. **Author photograph by Kris Snibbe Graphs by Mark Stein Printed in the United States of America** 20 19 18 17 16 15 14 13 12.

18. Tzannatos, Z. (1999) «Women and labor market changes in the global economy: Growth helps, inequalities hurt and public policy matters». **World Development** 27(3): 551-569.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]

19. United Nations Entity for Gender Equality and the Empowerment of Women (UN Women) (2021) **Women's Empowerment Principles: Equality Means Business**.

20. World Economic Forum (2001) The **Global Gender Gap Report**. Geneva, Switzerland.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.9]